

# مُلْحَةُ الْأَعْرَابِ

تأليف:

ابومحمد قاسم بن علي مريزي بصرى

وفات:

سال ٥١٦ هجرى قمرى

ترجمه و شرح:

سيد مسلم تفت دار

مدرسه اميريه

جزيره قشتم – گياهدان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بَابُ: جَمْعُ الْمَذْكَرِ السَّلَامِ:

۷۰. وَكُلُّ جَمْعٍ صَحَّ فِيهِ وَاحِدُهُ      ثُمَّ أَتَى بَعْدَ التَّنَاهِي زَائِدُهُ
۷۱. فَرَفَعُهُ بِالْوَاوِ وَالنُّونِ تَبَعٌ      مِثْلُ: شَجَانِي الْخَاطِبُونَ فِي الْجَمْعِ
۷۲. وَنَضَبُهُ وَجَرُّهُ بِالْيَاءِ      عِنْدَ جَمِيعِ الْعَرَبِ الْعَرَبَاءِ
۷۳. تَقُولُ: حَيَّ النَّازِلِينَ فِي مَنَى      وَسَلَّ عَنِ الرَّيْدِينَ هَلْ كَانُوا هُنَا
۷۴. وَنُونُهُ مَفْتُوحَةٌ إِذْ تُذَكَّرُ      وَالنُّونُ فِي كُلِّ مُثَنَّى تُكْسَرُ
۷۵. وَتَسْقُطُ النُّونَانِ فِي الْإِضَافَةِ      نَحْوُ: رَأَيْتُ سَاكِنِي الرُّصَافَةِ
۷۶. وَقَدْ لَقِيتُ صَاحِبِي أَخِينَا      فَأَعْلَمَهُ فِي حَذْفِهِمَا يَقِينَا

۷۰. و هر جمعی که (هنگام جمع کردن، بنای) مفرد آن سالم باشد سپس بعد از پایان پذیرفتن، حروف زائد آن (یعنی "وَنَ" و "يَنَّ") آمد.

### شرح:

هنگامی که اسمی جمع مذکر سالم کرده می‌شود نباید بنای مفرد آن شکسته شود و باید حروف زائد "وَنَ" و "يَنَّ" در انتها آورده شود. مانند: الْمُؤْمِنُ: الْمُؤْمِنُونَ، الْمُؤْمِنِينَ.

۷۱. پس مرفوع بودن آن با واو است و نون تابع آن است. مانند: خُطَبَا در نمازهای جمعه مرا به هیجان درآوردند. ("الْخَاطِبُونَ": فاعِلٌ، مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفَعِهِ الْوَاوُ نِيَابَةٌ عَنِ الصَّمَّةِ، لِأَنَّهُ جَمْعُ مَذْكَرٍ سَالِمٍ. وَالنُّونُ عِوَضٌ عَنِ التَّنْوِينِ فِي الْإِسْمِ الْمَفْرَدِ.)

۷۲. و نزد تمامی عرب اصیل، نصب و جر آن به یاء است.

۷۳. می‌گویی: به نازل شدگان در منی سلام کن ("النَّازِلِينَ": مَفْعُولٌ بِهِ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَضَبِهِ الْيَاءُ الْمَكْسُورُ مَا قَبْلَهَا الْمَفْتُوحُ مَا بَعْدَهَا نِيَابَةٌ عَنِ الْفَتْحَةِ، لِأَنَّهُ جَمْعُ مَذْكَرٍ سَالِمٍ. وَالنُّونُ عِوَضٌ عَنِ التَّنْوِينِ فِي الْإِسْمِ الْمَفْرَدِ.) و از زیدها سوال بگیر که آیا

آن جا بودند؟ ("الزَّيْدِيْنَ": مَجْرُورٌ بِمَحْرَفِ الْجَرِّ، وَعَلَامَةٌ جَرِّهِ الْيَاءُ الْمَكْسُورُ مَا قَبْلَهَا الْمَفْتُوحُ مَا بَعْدَهَا نِيَابَةٌ عَنِ الْكَسْرَةِ، لِأَنَّهُ جَمْعٌ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ. وَالثُّونُ عِوَضٌ عَنِ التَّنْوِينِ فِي الْإِسْمِ الْمَفْرَدِ).

**۷۴.** و نون آن فتحه دار است هرگاه که ذکر کرده شد و نون در هر مثنائی کسره داده می شود.

### شرح:

در جمع مذکر سالم، نون فتحه داده می شود. مانند: **الْمُؤْمِنُونَ، الْمُؤْمِنِينَ**. اما کسر آن شاذ است و لغتی نیست همان گونه که ابن عقیل در شرح الفیه بیان کرده است.

در مثنی، نون کسره می گیرد. مانند: **الْمُؤْمِنَانِ، الْمُؤْمِنَيْنِ**. اما فتح آن لغتی است.

**۷۵.** و دو نون (مثنی و جمع مذکر سالم) در مضاف شدن ساقط می شوند. مانند: ساکنین (محلّه‌ی) رصافه (در بغداد) را دیدم.

### شرح:

کلمه‌ی "سَاكِينٍ" جمع مذکر سالم است. و چون در این مثال "رَأَيْتُ سَاكِنِي الرُّصَافَةَ" مضاف واقع شده بنابراین نون آن حذف شده است.

**۷۶.** و دو دوست برادرمان را ملاقات کردم. پس آن را بدان که در حذف این دو نون، یقین است.

### شرح:

● کلمه‌ی "صَاكِبَيْنِ" مثنی است. و چون در این مثال "وَقَدْ لَقَيْتُ صَاكِبِي أَخِيْنَا" مضاف واقع شده بنابراین نون آن حذف شده است.

### تعریف جمع مذکر سالم:

در شرح ابن عقیل آمده: از میان اسم‌ها فقط جامد و مشتق، جمع مذکر سالم کرده می شوند.

← **شرط جامد:** أَنْ يَكُونَ عَلَمًا لِمَذَكَّرٍ عَاقِلٍ، خَالِيًا مِنْ تَاءِ التَّانِيثِ، وَمِنْ التَّرْكِيبِ. علم برای مذکر عاقل و از تاء تانیث و از ترکیب خالی باشد.

### شرح تعریف:

**أَنْ يَكُونَ عَلَمًا:** اگر اسم علم نباشد؛ این جمع بسته نمی شود. بنابراین جمع "رَجُلٌ" گفته نمی شود: رَجُلُونَ.

**لِمُدَّكَّرٍ:** اگر مذکر نباشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "زَيْنَب" گفته نمی‌شود:  
زَيْنَبُونَ.

**عَاقِلٍ:** اگر غیر عاقل باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "لَاحِق" - نام اسبی است - گفته نمی‌شود: لَاحِقُونَ.

**خَالِيًا مِنْ تَاءِ التَّأْنِيثِ:** اگر تاء تأنیث داشته باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "طَلْحَةَ" گفته نمی‌شود: طَلْحُونَ.

**وَمِنَ التَّرْكِيبِ:** اگر مرکب باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "سَيَبَوِيَه" گفته نمی‌شود: سَيَبَوِيَهُونَ.

← **شرط صفت:** أَنْ تَكُونَ صِفَةً لِمُدَّكَّرٍ عَاقِلٍ، خَالِيَةً مِنْ تَاءِ التَّأْنِيثِ، لَيْسَتْ مِنْ بَابِ أَفْعَلَ فَعْلَاءَ، وَلَا مِنْ بَابِ فَعْلَانَ فَعْلَى، وَلَا مِمَّا يَسْتَوِي فِيهِ الْمُدَّكَّرُ وَالْمَوْثُثُ.

صفت برای مذکر عاقل و از تاء تأنیث خالی باشد و از باب "أَفْعَلَ فَعْلَاءَ" و "فَعْلَانَ فَعْلَى" نباشد و از صفاتی نباشد که در آن، مذکر و مؤنث یکسان است.

### شرح تعریف:

**أَنْ تَكُونَ صِفَةً لِمُدَّكَّرٍ:** اگر صفت برای مؤنث باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "حَائِض" گفته نمی‌شود: حَائِضُونَ.

**عَاقِلٍ:** اگر غیر عاقل باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "سَابِق" - صفت اسب است - گفته نمی‌شود: سَابِقُونَ.

**خَالِيَةً مِنْ تَاءِ التَّأْنِيثِ:** اگر تاء تأنیث داشته باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "عَلَّامَةَ" گفته نمی‌شود: عَلَّامُونَ.

**لَيْسَتْ مِنْ بَابِ أَفْعَلَ فَعْلَاءَ:** اگر از باب "أَفْعَلَ فَعْلَاءَ" باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "أَحْمَر" گفته نمی‌شود: أَحْمَرُونَ. زیرا مؤنث آن بر وزن "فَعْلَاءَ" یعنی "حَمْرَاءَ" است.

**وَلَا مِنْ بَابِ فَعْلَانَ فَعَلَى:** اگر از باب " فَعْلَانَ فَعَلَى " باشد؛ این جمع بسته نمی‌شود.

بنابراین جمع "سَكْرَان" گفته نمی‌شود: سَكْرَانُونَ. زیرا مونث آن بر وزن " فَعَلَى " یعنی "سَكْرَى" است.

**وَلَا مِمَّا يَسْتَوِي فِيهِ الْمَذْكَرُ وَالْمَوْثُ:** اگر صفتی باشد که مذکر و مونث آن یکی

است؛ این جمع بسته نمی‌شود. بنابراین جمع "صَبُور" گفته نمی‌شود: صَبُورُونَ.

### ملحق به جمع مذکر سالم:

تعریف جمع مذکر سالم در بالا گذشت. بنابراین کلماتی که دلالت بر سه چیز یا سه کس و بیش‌تر بدهند اما از تعریف فوق خارج شده باشند به آن‌ها ملحق به جمع مذکر سالم یا محمول بر جمع مذکر سالم گفته می‌شود. مانند: **أُولُو:** صاحبان. **أَهْلُونَ:** فامیل، نزدیکان. **عَالَمُونَ:** جهانیان. **وَابِلُونَ:** باران بسیار تند. **أَرْضِيْنَ:** زمین‌ها. **بَنُونَ:** پسران. **عِشْرُونَ:** تا **تِسْعُونَ:** از عدد بیست تا نود. **عِلِّيُّونَ:** بالاترین بهشت، مکانی در آسمان هفتم زیر عرش. یا دیوان اعمال شایسته‌ی شایستگان.

همچنین "سِنُون" و باب آن: یعنی هر ثلاثی که لام الفعل آن حذف شده و هاء تانیث جای آن گرفته و جمع تکسیر نداشته باشد و همچنین مذکری نداشته باشد که با واو و نون جمع بسته شود. این کلمات سماعی‌اند. مانند:

**سَنَةٌ:** سِنِيْنَ: سال. **عِضَّة:** عِضِيْنَ: فرقه، جماعت. **عِزَّة:** عِزِيْنَ: فرقه، جماعت. **ثُبَّة:**

**ثُبِيْنَ:** فرقه، جماعت.

### طریقه‌ی اعراب اسمی که جمع مذکر سالم نامگذاری شده:

اگر کسی یا چیزی به جمع مذکر سالم نامگذاری شده؛ مشهور این است که به جمع مذکر سالم ملحق کرده و همانند آن اعراب کرده می‌شود. مثال:

اگر پدری پسرش را "عَابِدِيْنَ" یا "زَيْدِيْنَ" نامگذاری کند:

**جَاءَ عَابِدُونَ:** فاعِلٌ، مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفَعَهُ الْوَاوُ نِيَابَةً عَنِ الضَّمَّةِ، لِأَنَّهُ مُدْحَقٌ

**بِجَمْعِ مُذْكَرٍ سَالِمٍ. وَالتَّوْنُ عِوَضٌ عَنِ التَّنْوِينِ فِي الإِسْمِ المُفْرَدِ.**

رَأَيْتُ عَابِدِينَ: مَفْعُولٌ بِهِ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْيَاءُ الْمَكْسُورُ مَا قَبْلَهَا الْمَفْتُوحُ  
مَا بَعْدَهَا نِيَابَةٌ عَنِ الْفَتْحَةِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ. وَالثُّونُ عِوَضٌ عَنِ التَّنْوِينِ  
فِي الْإِسْمِ الْمُفْرَدِ.

مَرَرْتُ بِعَابِدِينَ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَعَلَامَةٌ جَرِّهِ الْيَاءُ الْمَكْسُورُ مَا قَبْلَهَا الْمَفْتُوحُ  
مَا بَعْدَهَا نِيَابَةٌ عَنِ الْكَسْرِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ. وَالثُّونُ عِوَضٌ عَنِ التَّنْوِينِ  
فِي الْإِسْمِ الْمُفْرَدِ.<sup>۱</sup>

### طریقهی جمع مذکر سالم کردن اسم مقصور:

الف آن حذف کرده می شود و فتحه باقی گذاشته می شود تا دلالتی بر حذف الف باشد.  
مثال:

مُصْطَفَى: مُصْطَفَوْنَ، مُصْطَفَيْنَ. الْأَعْلَى: الْأَعْلَوْنَ، الْأَعْلَيْنَ. رِضًا: رِضَوْنَ، رِضَيْنَ.

### طریقهی جمع مذکر سالم کردن اسم منقوص:

یاء آن حذف کرده می شود و اگر با "وَنَ" جمع بسته شد؛ قبل از آن ضمه می گیرد. مانند:  
الْقَاضِي: الْقَاضُونَ.

و اگر با "يْنَ" جمع بسته شد؛ قبل از آن کسره می گیرد. مانند: الْقَاضِي: الْقَاضِيْنَ.

### جمع مذکر سالمی که الف ممدود دارد: دو حالت دارد:

اگر لاینصرف بود: همزه ی آن به واو تبدیل می شود. مانند این دو اسم علم: وَرَقَاءُ وَ  
زَكْرِيَاءُ: وَرَقَاوُونَ، وَرَقَاوِيْنَ وَ زَكْرِيَاوُونَ، زَكْرِيَاوِيْنَ.

اگر منصرف بود: جایز است که در آن تغییری ایجاد نکرد. مانند: وَضَاءُ وَ قُرَاءُ:  
وَضَاوُونَ، وَضَائِيْنَ وَ قُرَاوُونَ، قُرَائِيْنَ.

<sup>۱</sup> . اعراب دیگر: آخر آن یاء و نون را لازم می گردانند و همانند اسم مفرد با تنوین اعراب می کنند.  
مانند: جَاءَ عَابِدِينَ، رَأَيْتُ عَابِدِينَ، مَرَرْتُ بِعَابِدِينَ.

اعراب دیگر: آخر آن واو و نون را لازم می گردانند و همانند لاینصرف اعراب می کنند. مانند: جَاءَ  
عَابِدُونَ، رَأَيْتُ عَابِدُونَ، مَرَرْتُ بِعَابِدُونَ.

اعراب دیگر: آخر آن واو و نون را لازم می گردانند و همانند اسم مفرد با تنوین اعراب می کنند. مانند:  
جَاءَ عَابِدُونَ، رَأَيْتُ عَابِدُونَ، مَرَرْتُ بِعَابِدُونَ.

همچنین جایز است که همزه را به واو تبدیل کرد. مانند: **وَضَاوُونَ، وُضَاوِينَ و قُرَاوُونَ،**

**قُرَاوِينَ.**

**طریقه‌ی جمع مذکر سالم کردن ترکیب مزجی، ترکیب اسنادی، مثنی و جمع:**

در حالت رفع به اول آن‌ها، کلمه‌ی "ذَوُو" و در حالت نصب و جر کلمه‌ی "ذَوِي" می‌افزاییم. بعنوان مثال اگر سه نفر **سَيَّبَوِيه** و سه نفر **تَأَبَّطُ شَرًّا** و سه نفر **حَسَنَيْنِ** و سه نفر **عَابِدِينَ** نام داشته باشند، جمع مذکر سالم آن‌ها چنین می‌شود:

**ترکیب مزجی:** **سَيَّبَوِيه = ذَوُو سَيَّبَوِيه، ذَوِي سَيَّبَوِيه.**

**در حالت رفع: جَاءَ ذَوُو سَيَّبَوِيه.**

**ذَوُو:** فاعِلٌ، مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفَعِهِ الْوَاوُ نِيَابَةٌ عَنِ الضَّمَّةِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ. **سَيَّبَوِيه:** مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ فِي مَحَلِّ جَرٍّ.

**در حالت نصب: رَأَيْتُ ذَوِي سَيَّبَوِيه.**

**ذَوِي:** مَفْعُولٌ بِهِ، مَنصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْيَاءُ نِيَابَةٌ عَنِ الْفَتْحَةِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ. **سَيَّبَوِيه:** مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ فِي مَحَلِّ جَرٍّ.

**در حالت جر: مَرَرْتُ بِذَوِي سَيَّبَوِيه:**

**بِ:** حَرْفُ جَرٍّ. **ذَوِي:** مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَعَلَامَةٌ جَرِّهِ الْيَاءُ نِيَابَةٌ عَنِ الْكَسْرِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ. **سَيَّبَوِيه:** مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ فِي مَحَلِّ جَرٍّ.

**ترکیب اسنادی:** **تَأَبَّطُ شَرًّا = ذَوُو تَأَبَّطُ شَرًّا، ذَوِي تَأَبَّطُ شَرًّا.**

**مثنی:** **حَسَنَيْنِ = ذَوُو حَسَنَيْنِ، ذَوِي حَسَنَيْنِ.**

**جمع:** **عَابِدِينَ = ذَوُو عَابِدِينَ، ذَوِي عَابِدِينَ.**

**طریقه‌ی جمع مذکر سالم کردن ترکیب اضافی:**

جزء اول آن – که مضاف نام دارد – ملحق به جمع مذکر سالم کرده می‌شود. جزء دوم آن مضاف‌الیه اعراب کرده می‌شود. مانند:

**در حالت رفع: جَاءَ عَبْدُو اللَّهِ.**

**در حالت نصب: رَأَيْتُ عَبْدِي اللَّهِ.**

**در حالت جر: مَرَرْتُ بِعَبْدِي اللَّهِ.**